

تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و آینده «گفتمان انقلاب اسلامی ایران»

محمدجواد هراتی^{*۱}



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره نخست،
شماره دوم،
زمستان ۱۳۹۱

چکیده

در صورتی که ارتباط میان «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» و تحولات منطقه موسوم به «بیداری اسلامی» را ارتباطی دو سویه فرض کنیم، با وجود پژوهش‌های گسترده درباره تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی، سویه دوم این رابطه که تأثیرات «جنبش‌های منطقه» بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی است، موضوع مهمی است که کمتر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. بر این اساس تأثیر تحولات منطقه بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی ایران، موضوع مورد بحث مقاله حاضر است. پرسش اصلی مقاله این است که تحولات اخیر در جهان اسلام که با جنبش در این کشورها همراه بود، چه تأثیری بر آینده «گفتمان انقلاب اسلامی ایران»

۱. استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان

* نویسنده مسؤول: mjharaty@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱۴

فصلنامه سیاست جهانی، دوره نخست، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۴۹-۲۳۳

خواهد داشت. مقاله حاضر برای پاسخ به این پرسش در قالب پژوهشی جدید با استفاده از شیوه «سناریونویسی» به عنوان یکی از روش‌های نوین «آینده پژوهی»، به بررسی تأثیر تحولات منطقه بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. نگارنده با طرح سه سناریو در حوزه مورد بحث که عبارت‌اند از: «تأثیر بازدارنده»، «تأثیر پیش برنده»، «تأثیر خنثی»، از رهگذر نقد و بررسی هر یک از سناریوها، در تلاش برای یافتن پاسخ برای سؤال اصلی پژوهش است. یافته‌های پژوهش پس از نقد و بررسی هر یک از سناریوهای محتمل، نشان می‌دهد که احتمال وقوع سناریوی «تأثیر پیش برنده» درباره آینده گفتمان انقلاب اسلامی ایران، بیش از دیگر سناریوها است.

واژه‌های کلیدی: آینده پژوهی، سناریونویسی، گفتمان انقلاب اسلامی ایران، تحولات منطقه.

مقدمه

توجه به آینده انقلاب اسلامی و مسائل آن یکی از موضوعاتی است که توجه پژوهشگران را در سال‌های اخیر به خود مشغول کرده و از اهمیت فراوانی برخوردار است. در حقیقت با توجه به مسائل پیش روی انقلاب اسلامی، پرسش‌های فراوانی درباره آن مطرح می‌شود که پاسخ به آنها اهمیت فراوانی دارد. وقوع انقلاب‌های اخیر در منطقه خاورمیانه و ارتباط آن با انقلاب اسلامی ایران و ارتباط دو سویه‌ای که «گفتمان انقلابی ایران» و «جنبش‌های اخیر» با یکدیگر دارند، از موضوعات مهمی است که پرداختن بدان از سوی

پژوهشگران به منظور ارائه راهکارهایی برای سیاستگذاران حوزه سیاست خارجی از اهمیت فراوانی برخوردار است. پژوهش‌هایی که تاکنون در رابطه با گفتمان انقلاب اسلامی و تحولات اخیر به چشم می‌آید بیشتر بر تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر تحولات موسوم به بیداری اسلامی تمرکز داشته و این در حالی است که به سوبه دوم رابطه یعنی تأثیر تحولات منطقه بر آینده انقلاب اسلامی ایران، توجه کمتری شده است. این در حالی است که شاید توجه به «آینده گفتمان انقلاب اسلامی»، از اهمیت فراوانی برخوردار باشد.



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره نخست،
شماره دوم،
زمستان ۱۳۹۱

به‌طور کلی پیش‌بینی از آینده با استفاده از روش‌های ابداع شده اخیر، به‌عنوان یکی از گرایش‌هایی است که در هر حوزه علمی مطرح شده است. از این موضوع علمی با عنوان آینده پژوهی یاد می‌شود که در آن تلاش می‌شود با استفاده از روش‌های خاصی به پژوهش درباره کیفیت آینده پرداخته شود. از جمله روش‌های آینده پژوهی می‌توان به روش دلفی، طوفان مغزی، تحلیلی لایه لایه علی و دیگر روش‌ها نام برد. یکی از روش‌های آینده پژوهی، «سناریو نویسی» است که در آن سناریوهای محتمل درباره یک موضوع مطرح شده و میزان احتمال وقوع هر یک از آنها ارزیابی شده سپس با ردّ برخی از سناریوها، آینده مطلوب پیش‌بینی می‌شود. پیش‌بینی اینکه در آینده تحولات منطقه چه تأثیری بر گفتمان انقلاب اسلامی ایران خواهد داشت، با استفاده از سناریوهای مختلفی که برای آن مطرح است، از یک سو ما را با وضعیت‌های محتمل آینده این تأثیرات آشنا می‌کند و قادر است به شناسایی برخی از مسائل در راه پیشرفت انقلاب اسلامی کمک کند. بدین ترتیب ما را در رسیدن به آینده

مطلوب انقلاب اسلامی هدایت می‌کند. از سوی دیگر نقد و تضعیف برخی سناریوهایی که آینده مطلوبی از انقلاب اسلامی ایران نشان نمی‌دهد، می‌تواند به رَدّ دیدگاه بدخواهان انقلاب اسلامی کمک کند.

پرسش اصلی مقاله این است که تحولات اخیر در جهان اسلام که با جنبش در این کشورها همراه بود، چه تأثیری بر آینده «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» خواهد داشت. مقاله حاضر برای پاسخ به این پرسش با استفاده از شیوه «سناریونویسی» به عنوان یکی از روش‌های نوین «آینده پژوهی»، به بررسی تأثیر تحولات منطقه بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. فرضیه مقاله این است که تحولات اخیر در منطقه، بستر پیشرفت انقلاب اسلامی در جهان اسلام را فراهم خواهد کرد. این فرضیه در قالب سناریوی تأثیر پیش برنده مطرح می‌شود.

در این مقاله به منظور ارائه تحلیلی از آینده تأثیر تحولات منطقه بر گفتمان انقلاب اسلامی ایران، سه سناریو عمده قابل طرح است که عبارت‌اند از: «سناریوی خنثی» عدم تأثیرپذیری گفتمان انقلاب اسلامی از تحولات منطقه، «سناریوی تأثیر بازدارنده» یا تضعیف فرآیند تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی ایران، «سناریوی تأثیر پیش برنده» یا تقویت گفتمان انقلاب اسلامی تحت تأثیر تحولات منطقه. نگارنده تلاش می‌کند با استفاده از شیوه سناریونویسی، سناریوهای محتمل درباره تأثیر تحولات منطقه بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی را مطرح کرده و سپس به ارزیابی هر یک از آنان بپردازد. پس از نقد و ارزیابی این سناریوها با استفاده از شواهد و تجربیات تاریخی تلاش می‌کند تا آینده مطلوب مورد بحث پژوهش را ارائه کنم.

الف- آینده پژوهی و مبانی نظری

حوزه مطالعات آینده یا آینده پژوهی یکی از جذاب‌ترین حوزه‌های اندیشه بشری از گذشته تا حال بوده است. از زمان گذشته نگرش به آینده بعضاً به شکل پیشگویی و پیش‌بینی وجود داشته و در شرایط مدرن جدید نیز به شکل مطالعات آینده مطرح شده است. در واقع آینده پژوهی عبارت است از توانایی ایجاد و حفظ یک چشم‌انداز جامع و علمی از آینده و استفاده از این چشم‌انداز برای اتخاذ برنامه‌های مفید در حوزه‌های مورد نظر به‌عنوان آینده پژوهشی در مواردی همچون: شناسایی موقعیت‌های ناسازگار، تدوین سیاست‌ها و شکل‌دهی راهبردها موثر است. به‌عبارت دیگر آینده پژوهی فرایند معرفی مجموعه‌ای از چشم‌اندازها و راههای ممکن است که آینده می‌تواند از طریق آنها ساخته شود و درک مناسب این چشم‌اندازها، تصمیم‌گیری درباره اینکه امروز چه اقداماتی را می‌توان برای ساختن فردایی بهتر اتخاذ کرد تسهیل می‌کند. آینده اندیشی یا آینده پژوهی یک روش ساختار یافته تفکر درباره آینده و برنامه‌ریزی برای آن است. امروزه آینده پژوهی به یک حوزه پژوهشی مستقل تبدیل شده است. آینده پژوهی به عنوان یک مقوله میان رشته‌ای به‌دنبال کشف و شناسایی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و به کارگیری آن در زمان حال است که روش‌های مختلفی را در بر می‌گیرد (پایا و راغفر، ۱۳۸۳: ۵۱-۵۰).

۱- سناریونویسی

«سناریو نویسی» که یکی از روش‌های پایه‌ای آینده پژوهی است، عبارت است از شرح رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط معین ممکن است روی

دهند. سناریوها شامل تصاویری از آینده‌های محتمل هستند که هدف از به کارگیری آنها مورد آزمایش قرار دادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. بدین منظور، سناریوها با مشخص کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرد. سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کند، بلکه به ما کمک می‌کند چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، بیندیشیم و درست به تصمیم‌گیری و مدیریت امور پردازیم (Makridakis & Wheelwright, 1989: 215).

سناریوها را تقریباً می‌توان با همه روش‌های آینده پژوهی (از کمی‌ترین تا کیفی‌ترین آنها) ترکیب کرد. سناریوها به افراد امکان تجسم و انکشاف آینده‌های ممکن را می‌دهند. در این روش باید دو مسئله را در نظر بگیریم: اینکه در آینده چه احتمالی وجود خواهد داشت؟ و اینکه در بین احتمالات آینده، کدام احتمال برای ما مطلوب‌تر است و چه کار کنیم که این احتمال که برای ما مطلوب‌تر است اتفاق بیفتد (اساکول، پی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). روش‌های سناریونویسی می‌تواند با توجه به نقطه شروع به دو گونه برون‌یابی و یا هنجاری باشد. روش مطالعه هنجاری کار خود را با تعیین کردن اهداف و موضوعات آینده آغاز خواهد کرد و به دنبال آن به این موضوع می‌نگرد که چگونه این اهداف و موضوعات می‌توانند قابل دستیابی باشند. روش مطالعه برون‌یابی براساس مفروضاتی که روندهای موجود در جریان تغییرات مرتبط ادامه خواهند داد، ایجاد خواهد شد. سناریوها خود می‌بایست از نقطه نظر داخلی تصاویری سازگار و استوار از احتمالات آینده باشند و ترکیبی باشند

از عناصر قابل سنجش و غیرقابل سنجشی که به عنوان جایگزین ریشه‌های منطقی حوادث سازماندهی می‌شوند. مزیت عمده این روش این است که یک رویه یکسان بین تردیدها و ابهامات موجود در چشم اندازها ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که وضوح و شفافیتی که در آینده‌های ممکن وجود دارد، آشکار شود. محدودیت مهم و کلیدی این روش هم این است که سناریوها عمدتاً به نویسندگان آن وابسته هستند (گروه آینده‌اندیش، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۵)

۲- اهداف برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها

یک دسته از سناریوها می‌تواند ابزار موثری برای مفهوم‌سازی آینده غوطه‌ور در مقدار عظیمی از داده‌ها و اطلاعات باشد. بر این اساس مورد توجه قراردادن مضامین مرتبط با آینده هر آنچه مشاهده می‌کنیم؛ سناریوها چارچوب ساختاری که در آن تجارب را می‌توان سازمان‌دهی کرد، مهیا می‌کنند. ابزاری که برای این کار استفاده می‌شود، داستان‌هایی باسازگاری درونی است که در آن حوادث در بستر زمان و در مسیر پیشرفت منطقی و علت و معلولی آینده به جلو می‌روند. در نقطه مقابل تفکر سناریویی، پیش‌بینی قرار دارد. در پیش‌بینی، همواره یک آینده محتمل مد نظر قرار می‌گیرد و اساس قضاوت‌های افراد برای برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهد. فرض اساسی در این دیدگاه این است که بعضی افراد می‌توانند بسیاری از وضعیت‌های آینده را پیشگویی کرده و زودتر از بقیه افراد هر آنچه را که رخ خواهد داد، بازگو کنند. اما چنین دیدگاهی تأثیرات غیرمنتظره‌ای را که به سوی سازمان در حرکت است، از کانون توجه افراد دور می‌کند. پیش‌بینی

باعث بوجود آمدن مدل ذهنی‌ای در افراد می‌شود که غیرمنتظره‌ها در آن جایی نداشته و خارج از چارچوب تمرکزی افراد قرار دارند (منوری، ۱۳۸۳: ۹۸). این همان جایی است که سناریوها به کمک می‌آیند و گستره وسیعی از آینده را به کانون توجه افراد کشانده و بسیاری از عوامل را که به نظر غیرمرتبط می‌آیند، در داستان‌هایی با سازگاری درونی (فارغ از هرگونه تناقض و براساس منطق علت و معلولی) به طور یکپارچه و واضح تشریح می‌کنند. روش برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها باعث برداشتن گام‌هایی به بیرون از تفکر روزمره شده و گستره وسیع‌تری از حوادث ممکن آینده را در کانون توجه افراد سازمان قرار می‌دهد. این روش افراد سازمان را وادار به بسط تخیل خود به سمت آینده و خلق تعابیر بدیلی از محیط کسب و کار می‌کند که روش خلق این آینده‌های بدیل از روش سنتی و قدیمی نگرش به موقعیت‌های پیش آمده، متفاوت است (امیر ناظمی و قدیری، ۱۳۸۴: ۶۹).

سناریوها زمانی که محیط فعالیت بیرونی برای یک سازمان پیچیده و توأم با عدم قطعیت بوده و تصمیم‌های کلیدی با پیامدهای بلند مدت در میان باشد، بسیار راهگشا و مفید هستند. به طور معمول محیط‌های پیچیده شامل عوامل غیرقابل تعیین هستند که تغییرات ساختاری جزء عدم قطعیت‌ها هستند و سیستم حلقه‌های بازخورد پیچیده و بغرنج دارد. تفکر سامانه‌ای که سعی در شناسایی چگونگی رفتار سامانه‌ها و گرایش آنها به سمت بازخوردهای غیرقابل پیش‌بینی دارد، قسمت مهم تفکر سناریویی است. اما برای موقعیت‌هایی که متغیرها، قابل شناسایی و تعیین بوده و تصمیم‌ها با پیامدهای کوتاه مدت مدنظر است، سناریوها خیلی مفید نیستند (Makridakis & Wheelwright, 1989: 217). با توجه به اینکه دلیل یک

دسته از سناریوها، پیش گویی نیستند، تشخیص خوب یا بد بودن آنها به طور عمده ذهنی است ولی بستگی به مشخصه‌ها و اهداف سناریوها دارد. سناریوهای خوب حاوی مشخصه‌هایی همچون: قابل باورند، با حوادث گذشته و حال ارتباط داشتن، چالش برانگیز بودن، به تصمیم‌ها و عدم قطعیت‌های سازمان ارتباط داشتن و فقدان مطالب متضاد در آن و سازگاری درونی اشاره کرد. مهم‌تر از همه اینکه سناریوی خوب، سناریویی است که پس از به چالش کشیدن تفکر نسبت به آینده، مدیران سازمان را به سمت پرسیدن «سوال درست» رهنمون می‌شود (Bell, 2003: 245).

حال پس از آشنایی مختصر با روش سناریونویسی در آینده پژوهی، تلاش می‌کنیم تا به طرح سناریوهای مطرح درباره انقلاب اسلامی و تحلیل و ارزیابی آنان پردازیم. در این مقاله با استفاده از روش برون‌یابی تلاش می‌شود فرضیه‌هایی را که درباره تأثیر تحولات اخیر در منطقه بر گفتمان انقلاب اسلامی داشته است بررسی کنیم.

۳- سناریوها و متغیرهای دخیل

به‌طور کلی فرضیه‌های این مقاله بر اساس سه محور سازماندهی شده است که مبنای طرح سناریوها است. محور اول؛ ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی و تحولات اخیر. محور دوم: روندهای پیش روی گفتمان انقلاب اسلامی و تأثیر مؤلفه‌های اثر بخش. محور سوم تحولات ساختاری انقلاب اسلامی متأثر از مؤلفه‌های اثر بخش. منظور از مؤلفه‌های اثر بخش عبارت است از مؤلفه‌های ایدئولوژیک و اجتماعی و مؤلفه‌های جهانی است. بر این اساس به طرح فرضیه‌ها و ارزیابی آنها می‌پردازیم. متغیرهای دخیل در پاسخ به پرسش

اصلی در سه حوزه ایدئولوژی، محیط و عملکرد طراحی شده است. منظور از محیط، محیط بین‌المللی و تحولات ناشی از جنبش‌های اخیر در جهان اسلام و محیط داخلی جهان اسلام و تحولات مرتبط با آن و متغیرهای خارجی شامل بازیگران خارجی از جمله آمریکا و به طور کلی غرب است. منظور از عملکرد هم نحوه جهت‌گیری و اقدام تصمیم‌گیرندگان در عرصه بین‌المللی است و منظور از ایدئولوژی، تفاوت‌های مذهبی از یک سو و همگونی دینی از سوی دیگر است.

ب- سناریوهای مطرح در آینده «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» متأثر از تحولات منطقه

با توجه به آنچه گفته شد به طور کلی سه سناریوی کلان درباره تأثیر تحولات اخیر بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی کرد ترسیم نمود که ابتدا می‌باید هر یک از سناریوها را طرح کرد و درباره اینکه وقوع هر یک از این سناریوها تا چه اندازه برای آینده جنبش‌های اخیر برگفتمان انقلاب اسلامی تأثیر دارند، استدلال‌هایی را ارائه دهیم. این سناریوها عبارت‌اند از:

نخست «سناریوی تأثیر بازدارنده» یا تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی تحت تأثیر انقلاب اسلامی

دوم «سناریوی تأثیر خنثی» عدم تأثیرپذیری گفتمان انقلاب اسلامی از تحولات منطقه

سوم «سناریوی تأثیر پیش‌برنده» یا تقویت گفتمان انقلاب اسلامی تحت تأثیر تحولات منطقه.



تحولات اخیر منطقه
خاورمیانه و آینده
«گفتمان انقلاب
اسلامی ایران»

۱- سناریوی «تأثیر بازدارنده»

یکی از سناریوهای مطرح در زمینه مرتبط با تأثیر تحولات منطقه بر آینده انقلاب اسلامی، با تعبیر سناریوی «تأثیر باز دارنده» به کار می‌رود. بر اساس این سناریو و استدلال‌هایی که مطرح خواهد شد، تحولات اخیر بر «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» می‌تواند تأثیرات منفی و بازدارنده داشته باشد و بعضاً امکان تضعیف آن را در منطقه فراهم آورد. در این سناریو مولفه‌های اثر بخش که عبارت است از ایدئولوژی و همچنین نقش بازیگران خارجی، مورد بحث واقع می‌شود. ایدئولوژی بیشتر جنبه درون گفتمانی در جهان اسلام داشته و بازیگران خارجی به عنوان متغیرهای بیرونی بر این فرآیند تأثیرگذارند. رقابت گفتمان‌های درون دینی به عنوان الگوهای حکومت اسلامی و مطرح شدن اسلام سکولار ترکیه به عنوان یکی از الگوهای رقیب، که مهم‌ترین عامل درون گفتمان در جهان اسلام است و تلاش آمریکا و غرب در انزوای ایران به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بیرونی قابل بحث است. به منظور فهم بهتر این سناریو ابتدا لازم است تا علاوه بر دیدگاه بیداری اسلامی به تحولات منطقه، به دیدگاه دیگری که درباره این تحولات مطرح است نیز اشاره کنیم.

به‌طور کلی در کنار نظریه بیداری اسلامی در بحث از تحولات منطقه، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که تحولات اخیر را نه «بیداری اسلامی» بلکه «بیداری انسانی» می‌نامد. این برداشت از تحولات منطقه، علت اصلی آن را توطئه آمریکا و اسرائیل و غرب می‌داند، معتقد است این توطئه به قصد تضعیف کشورهای جهان اسلام صورت گرفته است (ر.ک. حاجی یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). هر چند پذیرش یا عدم پذیرش این دیدگاه تأثیر بنیادین بر

طرح سناریوی «تأثیر منفی» مورد بحث مقاله ندارد، اما تأثیر اندک آن را در طرح دیدگاه سناریوی مورد نظر نباید از نظر دور داشت. بر اساس این دیدگاه که در قالب توطئه آمریکا و غرب مطرح می‌شود، غرب به این نتیجه رسیده که امکان تداوم حکومت‌های سکولار دست نشانده آمریکا در منطقه در آینده فراهم نیست و می‌باید الگوی جدیدی متناسب با ساختار فرهنگی این کشورها ارائه داد تا از وقوع انقلاب‌های رادیکال در منطقه جلوگیری شود (ر.ک نورانی، ۱۳۹۱: ۱۹۲). شاید مهم‌ترین هدف آمریکا تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی ایران در منطقه و جلوگیری از اشاعه آن باشد بنابراین براساس دیدگاه فوق، بسترهایی به منظور تضعیف جایگاه گفتمان انقلاب اسلامی ایران فراهم شده است. فارغ از دیدگاه مذکور درباره تحولات منطقه، عوامل مهمی را می‌توان در نظر گرفت که در استدلال سناریوی «تأثیر بازدارنده»، قابل طرح است که به طرح و بررسی آنان می‌پردازیم.

۱-۱- رقابت گفتمان‌های درون دینی و اسلام سکولار در ترکیه

یکی از موضوعاتی که در قالب مولفه‌های اثربخش مورد بحث واقع می‌شود، منازعات ایدئولوژیک یا عقیدتی میان مسلمانان است. منازعات عقیدتی اسلامی در دوران معاصر را می‌توان در قالب ساختارهای حکومتی در کشورهای اسلامی نیز جستجو کرد که حاصل آن سه گفتمان مهم بوده که البته هر یک دارای وزن متفاوت در دوره‌های مختلف بوده است. اسلام سلفی به رهبری عربستان، اسلام سکولار به رهبری ترکیه و اسلام انقلابی به رهبری جمهوری اسلامی ایران سه گفتمانی هستند که در عین اسلام‌گرایی در رقابت با یکدیگر به منظور ارائه الگو برای دیگر کشورهای اسلامی هستند

(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۰). بدون شک تحولات اخیر در کشورهای اسلامی و وقوع انقلاب در آنان، رقابت این گفتمان‌ها را عمیق‌تر خواهد کرد اما اینکه علی‌رغم انقلابی بودن گفتمان جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه این گفتمان توان ارائه الگوی خود را دارد، می‌تواند از مباحث مورد مناقشه باشد.

تفاوت در اندیشه سیاسی که در ایران به رهبری مرجعیت دینی و برگرفته از امامت بوده از یک سو و فراوانی قرائت‌های اندیشه سیاسی اهل سنت که چندان قرابتی با اندیشه سیاسی شیعه ندارد (عنایت، ۱۳۷۳: ۸۵-۸۹) از جمله موضوعات مورد بحث در این زمینه است. به‌عنوان نمونه با توجه به دیدگاه سیاسی شیعه که برگرفته از مبانی اعتقادی آن است، در رهبری انقلاب اسلامی ایران وجود مرجعیت موجب شد تا رهبری از پایگاه اجتماعی منحصر به فردی برخوردار شود و با توجه به نگاه اعتقادی به مرجعیت در دیدگاه شیعه و وجوب پیروی از او در میان شیعیان، تأثیر فراوانی در پیروزی انقلاب اسلامی و پیشبرد اهداف آن در انقلاب اسلامی ایران داشت. این در حالی است که رهبری در جنبش بیداری اسلامی اخیر با فقدان یک پایگاه اجتماعی که از نظر اعتقادی بتواند بسیج مردمی ایجاد کند مواجه بوده است. در برخی اندیشه سیاسی اهل سنت، جواز براندازی نظام به راحتی داده نمی‌شود و از این منظر رهبری دینی توان بسیج مردمی به منظور قیام و مبارزه را ندارد (هراتی، ۱۳۹۱: ۲۴۹). هر چند ایده اساسی گفتمان انقلاب اسلامی در موضوعاتی استکبار ستیزی و عدالت‌خواهی تأثیر مهمی در این جنبش‌ها داشته و دارد اما این چنین تفاوت‌هایی در اندیشه سیاسی، از موضوعاتی است که الگو پذیری تحولات جهان اسلام از ساختار

حکومتی جمهوری اسلامی را با مشکل مواجه می‌سازد. در سناریوی مورد بحث، استدلال چنین است که با توجه به تفاوت‌های مذهبی این کشورها که به تفاوت در اندیشه سیاسی منجر می‌شود، ممکن است گرایش به الگوی اسلام سکولار ترکیه بیشتر باشد و اگر چه الگوی انقلاب ایران تا کنون نقش مهمی در استکبار ستیزی و عدالت‌خواهی داشته اما در نوع حکومتی آنان تأثیر چندانی نخواهد داشت و این موضوع در آینده گفتمان انقلاب اسلامی تأثیر بازدارنده خواهد گذاشت.



۱-۲- تلاش آمریکا در محدود کردن و تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی (عامل خارجی)

به طور کلی تلاش آمریکا و غرب به عنوان عامل بیرونی از ابتدای انقلاب اسلامی ایران تا به امروز وجود داشته است اما در بحث از فضای ایجاد شده ناشی از تحولات اخیر و تأثیراتی که بر تصمیمات سیاست خارجی آمریکا خواهد گذاشت، در تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی ایران می‌تواند در قالب چند محور مورد بحث واقع شود که به شرح ذیل می‌آید:

تحولات اخیر منطقه
خاورمیانه و آینده
«گفتمان انقلاب
اسلامی ایران»

۱-۲-۱- ایران هراسی

با وقوع جنگ آمریکا علیه حکومت عراق در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ و فرو پاشی رژیم حزب بعث به رهبری صدام حسین، شیعیان عراق توانستند قدرت اصلی را در معادلات امنیتی - سیاسی این کشور به دست گیرند. این رویداد، در کنار جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان و اسرائیل (۲۰۰۶) که باعث تبدیل حزب الله به بازیگری مهم و تأثیرگذار در سطح منطقه شد به گسترش دامنه

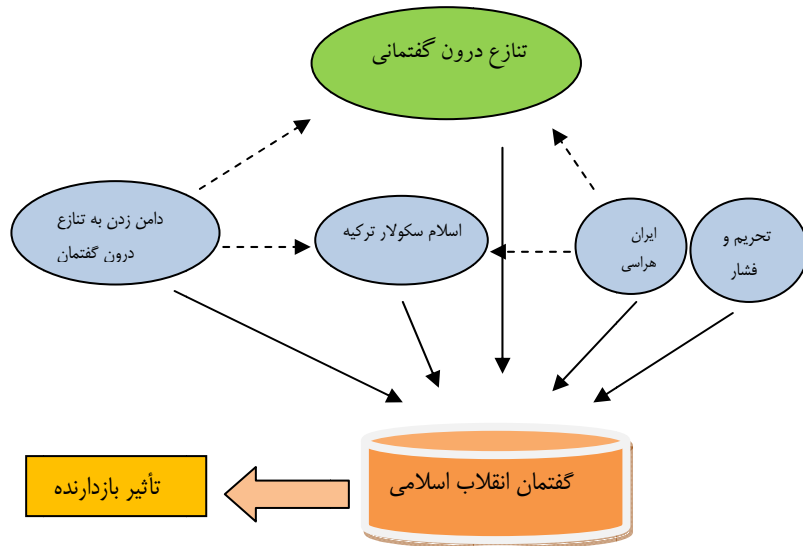
نفوذ و تاثیرگذاری ایران در تحولات منطقه خاور میانه منجر شد. این مسئله باعث شد غرب از یک سو و دولت‌های محافظه‌کار اهل سنت از سوی دیگر، از پیدایش نوعی «هلال شیعی» مؤثر در منطقه اظهار نگرانی کنند. هلال شیعی اصطلاحی است با سابقه آکادمیک در ادبیات آلمانی، که نخستین بار در حوزه مباحث استراتژیک منطقه، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، در دسامبر ۲۰۰۴ در گفتگو با روزنامه واشنگتن پست هنگام دیدارش از امریکا مطرح کرد. کاربرد این واژه هم زمان با به حکومت رسیدن شیعیان در عراق، تکمیل‌کننده هلالی از حوزه‌های نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را در برمی‌گرفت. این موضوع مؤید گسترش حوزه نفوذ شیعیان نه تنها در ایران و لبنان بلکه در کلیه کشورهایی است که در آنها جمعیت شیعه مذهب وجود دارد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

این موضوع بستر لازم به منظور ایران هراسی از سوی غرب را فراهم کرد و در واقع هدف از طرح هلال شیعی، تحریک کشورهای عرب علیه ایران است. پادشاه عربستان در مصاحبه با روزنامه کویتی السباسبه از شیعه سازی اهل سنت توسط ایران ابراز نگرانی کرد (www.fetrat.com). در حقیقت هدف اصلی از طرح هلال شیعی را می‌توان ایجاد تنش و درگیری و راه انداختن جنگ میان شیعیان و اهل تسنن دانست. ادعای شکل‌گیری هلال شیعی از سوی سران عرب با هدف تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و گسترش ایران هراسی همراه است.

۱-۲-۲- اعمال فشار و تحریم‌ها بر ایران و دخالت در تحولات سوریه

یکی از ابعاد سناریوی «تأثیر بازدارنده» بر گفتمان انقلاب اسلامی در نتیجه تحولات اخیر را فشارهای بین‌المللی بر ایران به منظور تضعیف نقش این کشور در تحولات منطقه می‌دانند. براساس این نگرش، به دلیل احتمال همسویی برخی کشورها با ایران، فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی آنقدر افزایش خواهد یافت تا نظام تضعیف شده و توان نقش‌آفرینی در منطقه را از دست بدهد. این هدف با ابزارهایی همچون تحریم‌های گسترده و بی‌سابقه برای ایران همراه است (<http://hamandishi.net>). در این دیدگاه با توجه به فضای شکل گرفته ناشی از جنبش‌های اسلامی منطقه، آمریکا به منظور تضعیف ایران، تحریم‌های گسترده‌ای را ایجاد خواهد کرد تا بدین وسیله از نقش‌آفرینی ایران در این حوزه جلوگیری کند. بدین ترتیب با اعمال تحریم‌های گسترده عرصه بر جمهوری اسلامی تنگ شده و عاملی بازدارنده علیه «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» شکل خواهد گرفت. علاوه بر آنچه گفته شد، سوریه به عنوان متحد استراتژیک ایران، مد نظر آمریکا به منظور دخالت در تحولات این کشور قرار گرفته است. تلاش آمریکا در تحولات سوریه به منظور ایجاد اغتشاش در این کشور و براندازی نظام سیاسی آن، به عنوان بخشی از پروژه آمریکا در راستای انزوای ایران و محدود کردن گفتمان انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. درحقیقت تضعیف نظام سوریه به‌عنوان متحد استراتژیک ایران در تقویت سناریوی مورد بحث بدون تأثیر نخواهد بود.

در مجموع سناریوی تأثیر بازدارنده را می‌توان به صورت نمودار ذیل به نمایش گذاشت:



۱-۳- نقد و بررسی سناریوی «تأثیر بازدارنده»

بحث محوری سناریوی «تأثیر بازدارنده» بر دو محور منازعات درون گفتمانی و مداخله خارجی استوار است که با نقد هر یک از محورها اساساً می‌توان به نقد سناریوی مذکور پرداخت. در بحث از منازعات درون گفتمانی اسلامی، الگوی سکولار ترکیه به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی ایران مطرح شد. در بررسی این موضوع دو محور را باید مورد توجه قرار داد. محور اول ادعای سیطره سکولاریسم بر اسلام و سکولاریزه شدن اسلام و محور دوم تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ترکیه و تحولات آن است. مدعای کمرنگ شدن دین در عرصه اداره اجتماعی در دنیای جدید و روی آوردن نظام‌ها به سکولاریسم (ر.ک بشیریه، ۱۳۸۰: ۹۸-۱۴۵). اساساً از فضای شکل گرفته در غرب در برابر مسیحیت استوار است. به علاوه با توجه به اینکه اکثریت کشورهای جهان این نوع حکومت

غیردینی دارند و اهداف و آرمان‌های حکومت دینی دائماً در تعارض با منافع حکومت‌های غیردینی است، این نوع حکومت خود به خود منزوی خواهد شد و نخواهد توانست به آرمان‌ها و اهداف تعیین شده دست یابد. باید توجه داشت که برخی دولت‌هایی که در جهان اسلام به سوی سکولاریسم رفته‌اند از اصول اندیشه سیاسی غنی اسلامی برخوردار نبوده‌اند (ر.ک عنایت، ۱۳۷۲: ۹۹-۱۱۰) و بارها متفکران مسلمان تلاش کرده‌اند که انحطاط و ضعف این دولت‌ها را فاصله گرفته از اسلام اصیل معرفی کنند. به عبارت دیگر اگر هم برخی دولت‌های اسلامی وجود داشته که به سوی سکولاریسم حرکت کرده‌اند، به این علت بوده که از اسلام اصیل پیروی نکرده‌اند. این در حالی است که جنبش‌های شکل گرفته اخیر، اساساً با مبانی اسلامی گره خورده‌اند و ملت‌هایی که در منطقه جنبش در آنها رخ داده، سالها تحت سیطره حاکمیت سکولار بوده‌اند از آن خسته شده‌اند که این مطلب را می‌توان از شعارها و درخواست‌های مطرح شده در این جنبش‌ها و همچنین نتیجه انتخابات آنان نیز دریافت کرد.

براساس دیدگاه بسیاری از تحلیلگران، انقلاب اسلامی واکنشی به مدرنیته بود و زمانی اتفاق افتاد که بسیاری از اندیشمندان معتقد بودند که عصر حکومت‌های دینی به پایان خود رسیده‌است و این گفتمان، نقش موثری را در معادلات منطقه‌ای ایفا خواهد کرد. به‌عنوان نمونه میشل فوکو انقلاب اسلامی ایران را نویدبخش ظهور گفتمان رادیکال سیاسی - عرفانی جدیدی می‌داند که از دل مفاهیم و آموزه‌های مذهبی که در طی قرون متمادی، در پس لایه‌های غبار خرافه، ارتجاع و نسیان مدفون شده بود، سربرآورده است (رمضان نرگسی، ۱۳۶۵: ۵۹۹).

علاوه بر آن انقلاب اسلامی حاوی گفتمانی در درون خود بود که هم چالشی برای گفتمان‌های مسلط دوران خود بود و هم توانست تأثیر فراوانی بر دیگر کشورها و گروه‌های سیاسی جهان داشته باشد. از جمله این تأثیرات که موضوع بحث مقاله نیز هست، تأثیر بر اسلامگرایی در ترکیه است. جمهوری ترکیه به واسطه همسایگی خود با جمهوری اسلامی ایران و عوامل مهمی همچون قرابت جغرافیایی، اشتراکات تاریخی، اشتراکات قوی و مذهبی، به طور طبیعی از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته و شواهد و قرائن همگی دال بر این تأثیرات است. البته، باید این مطلب را نیز مدنظر داشت که این تأثیر موجب شده است که روند رشد اسلام‌گرایی در جمهوری ترکیه با وقوع انقلاب اسلامی ایران تشدید شود و جریان‌ات اسلام‌گرا و همچنین توده‌های مردمی مطالبات جدی‌تری را در این عرصه از حکومت لاییک مطرح کنند، به گونه‌ای که ارتش لاییک ترکیه احساس خطر کرده است و یک سال پس از انقلاب اسلامی ایران با کودتا، اداره کشور را به مدت سه سال در دست بگیرد (درخشه، ۱۳۹۱: ۵۹).

با کودتایی که یک سال پس از انقلاب اسلامی ایران در ترکیه رخ داد، شاهد شکل‌گیری احزاب اسلامی با پایگاه‌های مردمی گسترده و قوی و همچنین شدت اقبال عمومی به شعائر اسلامی، مناسک اسلامی و احیای امور دینی در جامعه ترکیه هستیم؛ یعنی مواردی همچون نماز جمعه، راه‌پیمایی روز قدس و حجاب. این روند به مرور طی شد تا بالاخره و به شکلی بی‌سابقه یک اسلام‌گرای شاخص، یعنی نجم‌الدین اربکان در سال‌های میانی دهه ۹۰ موفق شد بر کرسی نخست‌وزیری این کشور تکیه بزند و پس از حدود ۷۰ سال، یک اسلام‌گرا اداره یک جمهوری لاییک و ضد مذهبی را

در دست بگیرد. در این راستا، تردیدی نیست که اسلام‌گرایی در ترکیه همچون انرژی خفته و پتانسیل مخفی با وقوع انقلاب اسلامی ایران همراه با اعتماد به نفسی ویژه از میان حصارهای تنگ و وحشتناک نهادهای لاییک سر بر آورد و خود را به اعتلا و کمال رساند؛ اعتلا و کمالی که تا امروز ادامه یافت و همچنان ادامه خواهد داشت (درخشه، ۱۳۹۱: ۵۹). با توجه به مطالب گفته شده پذیرش اینکه الگوی سکولار در جوامع رخ خواهد داد کمی مشکل است.

در بحث از ایران هراسی نیز باید توجه داشت که ایران هراسی آمریکا و غرب نیز مسئله تازه‌ای نیست و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با استفاده از همین روش، غرب موفق به فروش تسلیحات گسترده‌ای به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۴). اما این موضوع نتوانست مانع اساسی در برابر گفتمان انقلاب اسلامی شود. هرچند که تحولات اخیر در منطقه موجب افزایش ایران هراسی از سوی غرب شده است و می‌تواند به عنوان یکی از عوامل بازدارنده مطرح گردد اما با توجه به تجربه گذشته، تأثیر آن قدری عمیق به نظر می‌رسد.

از دیگر محورهای مورد بحث سناریوی «تأثیر بازدارنده»، اعمال فشار بر ایران با اعمال تحریم‌های گسترده و بی‌سابقه بود. باید توجه داشت که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی این محور مورد بحث واقع شد و در همان ابتدای انقلاب اسلامی مطرح شد و بر اساس آنچه پیش‌بینی می‌شد، با فشارهای بین‌المللی علیه انقلاب اسلامی ایران، انقلاب از پا در خواهد آمد و طولی نخواهد کشید که به سرعت تضعیف خواهد شد. یکی از راهکارهای فشار بر ایران، جنگ تحمیلی بود که در آن اغلب کشورهای جهان با



تحولات اخیر منطقه
خاورمیانه و آینده
«گفتمان انقلاب
اسلامی ایران»

حمایت‌های خود از صدام به دنبال محدود کردن ایدئولوژی انقلاب اسلامی بودند. اما با گذشت دوران دفاع مقدس آنچه نتیجه جنگ بود باعث ثبات و همبستگی در درون نظام اسلامی شد. در طول دوران دفاع مقدس نیز انواع تحریم‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اعمال شد اما در بسیاری از موارد این تحریم‌ها که می‌توانست تهدیدی برای نظام جمهوری اسلامی باشد، تبدیل به فرصت برای نظام شد و در بسیاری از موارد زمینه‌ای برای خودکفایی در داخل کشور را فراهم کرد (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۴۲). بنابراین اگر منظور، فشارهای ناشی از تحریم‌های بین‌المللی باشد فرآیند فشارها و تحریم‌های بین‌المللی با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی نه تنها تجربه سه دهه انقلاب ثابت کرده است که تحریم‌ها نتوانست تأثیر آسیب‌زایی بر جامعه ایران وارد کند بلکه به اعتراف برخی از تحلیل‌گران غربی باعث ایجاد فرصت برای انقلاب اسلامی نیز شده است. بنابراین در صورتی که فشارهای ناشی از محیط بین‌الملل از زمره تحریم‌ها باشد، نخواهد توانست انقلاب را تضعیف کند و حتی زمینه‌های پیشرفت را نیز فراهم خواهد کرد.

نگاهی به دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف با وجود تحریم‌های مختلف، این امر را تأیید می‌کند که فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران نه تنها مشکلی برای ایران ایجاد نکرد بلکه زمینه‌های اعتلای انقلاب اسلامی را نیز فراهم کرد (ر.ک عیوضی و هراتی، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۵۷). این وضعیت را می‌توان از اظهارنظر برخی از تحلیل‌گران غربی نیز استنباط کرد. آنان بر این باورند که تحریم‌ها بر ایران اثری ندارد و حتی در برخی از تحلیل‌ها نیز آمده است که تحریم‌ها موجب تقویت ایران نیز می‌شود و جمهوری اسلامی ایران با وجود این تحریم‌ها توانسته به نتایج

مطلوبی در عرصه‌های مختلف دست پیدا کند. همچنین تلاش‌ها به منظور ایجاد شکاف در میان ایران و متحدان منطقه‌ای او از جمله بشار اسد، فایده‌ای نداشته است (Leveret, 2011: 28). بنابراین تجربه سه دهه گذشته انقلاب اسلامی نشان داده است که تحریم‌ها بر ایران بی‌اثر بوده است و در صورتی که منظور از فشارهای بین‌المللی، فشارهای اقتصادی و تحریم‌های سیاسی باشد، با توجه به تجربه سه دهه از گذشت انقلاب اسلامی، احتمال وقوع چنین سناریویی ضعیف است. البته ممکن است برخی از تحلیل‌گران بر این باور باشند که شرایط تحریم و فشار مشکلاتی را برای کشورها فراهم خواهد کرد. اما در پاسخ باید گفت ممکن است برای دیگر کشورها این تجربه تا حدودی صحیح باشد. اما درباره ایران این تجربه موفق نبوده و در برخی موارد نتیجه معکوس نیز داده است. در صورتی که این امر نیز صحت داشته باشد نه تنها احتمال وقوع سناریوی مذکور ضعیف است بلکه انقلاب اسلامی و نظام اسلامی در حال تقویت شدن است. در مجموع از آنچه در بحث سناریوی بازدارنده گفته شد وقوع چنین وضعیتی برای آینده گفتمان انقلاب اسلامی ایران ضعیف به نظر می‌رسد.

۱-۴- سناریوی «تأثیر خنثی»

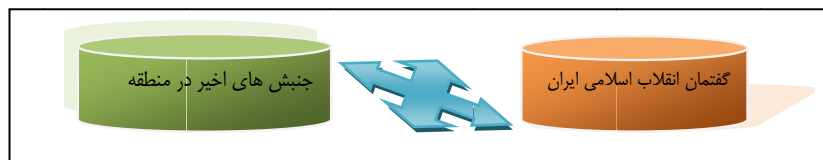
هر چند ادعای بی‌تأثیر بودن آینده انقلاب اسلامی از تحولات منطقه مشکل به نظر می‌رسد اما کم‌تأثیرپذیری از آن می‌تواند به‌عنوان یکی از سناریوهای پژوهشی مورد بحث واقع شود و در بوته نقد قرار گیرد. عدم تأثیر و یا تأثیر دو سویه انقلاب اسلامی بر یکدیگر با توجه به تفاوت‌های مذهبی جنبش‌ها تأثیرگذاری غیرقابل دریافت به‌عنوان یکی از سناریوهای مطرح در این زمینه

است. ممکن است دیدگاه‌هایی بر این باور مطرح شود که ماهیت انقلاب اسلامی در ایران و اندیشه سیاسی شیعه و همچنین تفاوت‌های اساسی که اندیشه سیاسی شیعه با تفکر اهل سنت دارد، این دو مقوله تأثیر و تأثری بر یکدیگر نخواهند داشت چرا که نوع حاکمیتی که بر اثر انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی شکل می‌گیرد، با نوع نگرش شیعه به مسئله حکومت تفاوت ماهوی دارد. به منظور تأیید این سخن می‌توان به تحلیل نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی و انقلاب‌های اخیر در جهان عرب اشاره کرد (ر.ک. هراتی، ۱۳۹۱: ۲۴۹).

شایان ذکر است که با توجه به دیدگاه سیاسی شیعه که برگرفته از مبانی اعتقادی آن است، در رهبری انقلاب اسلامی ایران، وجود مرجعیت موجب شد تا رهبری از پایگاه اجتماعی منحصر به فردی برخوردار شود و با توجه به نگاه اعتقادی به مرجعیت در دیدگاه شیعه و وجوب پیروی از او در میان شیعیان، تأثیر فراوانی در پیروزی انقلاب اسلامی و پیشبرد اهداف آن در انقلاب اسلامی ایران داشت. این در حالی است که رهبری در جنبش بیداری اسلامی اخیر با فقدان یک پایگاه اجتماعی که از نظر اعتقادی بتواند بسیج مردمی ایجاد کند مواجه بوده است. در برخی اندیشه سیاسی اهل سنت، جواز براندازی نظام به راحتی داده نمی‌شود و از این منظر رهبری دینی توان بسیج مردمی به منظر قیام و مبارزه را ندارد.

بدین ترتیب اساسی‌ترین تأثیر مبانی اعتقادی در بحث از رهبری انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی در این است که رهبری در انقلاب اسلامی با عنایت به مبانی اعتقادی از ابتدای حرکت انقلابی وارد عرصه هدایت و رهبری جنبش شد و این در حالی است که در جنبش‌های اخیر،

رهبران مذهبی دخالتی در حرکت پیش‌رونده جنبش نداشته‌اند. به همین دلیل نفوذی که غرب در انقلاب‌های اخیر توانست انجام دهد، در انقلاب اسلامی موفق به انجام آن نشد. بنابراین، تحولات اخیر در جهان اسلامی تفاوت‌های ماهوی با انقلاب اسلامی داشته و در نتیجه چندان ارتباطی نیز بر یکدیگر نخواهند داشت. در حقیقت این سناریو بر این باور است که انقلاب اسلامی ایران و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران تأثیرپذیری از انقلاب‌های منطقه نخواهد داشت چرا که آنها نه توان ارائه ایدئولوژی جدیدی را دارند و نه قرابتی با ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی.



۳- سناریوی «تأثیر پیش‌برنده» (تقویت گفتمان انقلاب اسلامی ایران)
سناریوی دیگری که به عنوان آینده مطلوب تأثیر تحولات منطقه بر ایران مطرح می‌شود با عنوان سناریوی «تأثیر پیش‌برنده» بر این مبنا استوار است که تحولات اخیر در منطقه بسترهای لازم به منظور تقویت گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم می‌کند و با توجه به سبقه اسلامی بودن و استکبارستیزی جنبش‌ها، تحولات منطقه تأثیر پیش‌برنده بر گفتمان انقلاب اسلامی ایران خواهد داشت. بر اساس برخی دیدگاه‌ها، آنچه در این کشورها رخ می‌دهد، بیداری اسلامی بوده و حرکتی است که بر مبنای اسلام آغاز شد و صرف اسلامی بودن آن و سقوط دیکتاتورهای سکولار منطقه و بروز و ظهور

مطالبات دینی می‌تواند به پیشرفت «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» کمک کند.

در بحث از سناریوی پیش برنده می‌توان از فرصت‌هایی که تحولات اخیر در منطقه در اختیار جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد و در پژوهش‌های پیشین نیز به آن اشاره شد، استفاده کرد. از مهم‌ترین این موارد می‌توان به افول هژمونی آمریکا، انزوای اسرائیل، شباهت‌های انقلاب اسلامی و انقلاب‌های اخیر، سقوط دیکتاتورهای مخالف ایران، اسلامی بودن جنبش‌ها، تقویت گفتمان اسلامگرایی، ضعف گفتمان سکولاریسم و تحول در ساختار قدرت و نظم منطقه‌ای و مهم‌تر از همه، ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد که به بررسی هریک می‌پردازیم.

۳-۱- افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران

تغییر نظام‌های سیاسی منطقه و فروپاشی حکومت‌های وابسته به آمریکا وضعیت متفاوتی را برای جمهوری اسلامی ایران پدید خواهد آورد تا بتواند از طریق پیدا کردن هم‌پیمانان منطقه‌ای که پیش از این شدیدترین مواضع را علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده بودند، نفوذ منطقه‌ای ایران را گسترش دهد. هرچند که ممکن است از نظر مذهبی گرایش‌های متفاوتی در این کشورها به نسبت ایران وجود داشته باشد اما آنچه مهم است اینکه شعارهای عدالت‌خواهانه و استکبار ستیزانه‌ای که در «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» وجود دارد، بستر مناسبی برای همگرایی میان ایران و کشورهای مذکور ایجاد می‌کند. در حقیقت آرمان‌هایی که جنبش‌های اخیر دنبال می‌کند، همان آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران در انقلاب ۱۳۵۷

است که در اثر انقلاب‌های مردمی، دولت‌های جدیدی در منطقه شکل گرفت. با این حال نباید بیداری اسلامی در کشورهای خاور میانه را به معنای رسیدن به حکومت اسلامی بدانیم. شاید بتوان گفت که ایران نیازی ندارد حکومت‌هایی دقیقاً مشابه نظام جمهوری اسلامی در منطقه به وجود آید، بلکه نیاز دارد تا در فرصت به دست آمده برخی مشکلات قدیمی خود با بعضی کشورهای عربی را حل کند و متحدینی برای خودش در منطقه داشته باشد (ارسلان قربانی، ۱۳۹۱: ۸۲). حداقل انتظاری که از تحولات اخیر انتظار می‌رود این است که نظام پیشین ضد ایرانی در این کشورها فروپاشیده شده و بسترهای جدیدی برای نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی ایران در این منطقه فراهم شود. بر این اساس می‌توان گفت که تحولات اخیر در منطقه از جهت پیدا کردن متحدانی در منطقه در ایران و نفوذ منطقه‌ای این کشور می‌تواند بستر لازم برای اهداف پیش برنده گفتمان انقلاب اسلامی را در آینده فراهم آورد.

۳-۲- تقویت گفتمان اسلامی در مقابل گفتمان سکولار

از جمله ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران، تقابل با سکولاریسم بود که البته در سه دهه گذشته به همین دلیل فشارهای فراوانی از سوی قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای بر ایران وارد شد. در صورتی که تحولات اخیر در منطقه در تقابل با سکولاریسم باشد و بتوان آن را بیداری اسلامی نامید، به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که از این رهگذر، گفتمان انقلاب اسلامی ایران به عنوان گفتمان اسلام‌گرا از این وضعیت سود خواهد برد و بسترهای لازم در آینده به منظور رشد «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» فراهم خواهد شد. آنچه

امروز در جهان عرب در حال رخ دادن است به درستی می‌توان بیداری اسلامی نامید؛ زیرا انگیزه و انگیزه یا علت فاعلی و غایی تحولات جهان عرب، ماهیت و هویت اسلامی دارد. ملت‌های به پا خاسته عرب، مبنای نفی و اثبات‌های خود را اسلام قرار داده‌اند. آنان از یک سو آنچه را اسلامی نیست، نفی می‌کنند و از سوی دیگر درصدد اثبات چیزی هستند که بر مبنای هویت اسلامی خود است. این امر را به خوبی می‌توان در انتخابات مصر و تونس دریافت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۰). اغلب کشورهای عربی که در آنها جنبش‌هایی در دوران اخیر رخ داده است، دورانی طولانی را از حاکمیت سکولاریسم طی کرده‌اند و حاکمیت ایدئولوژی‌های غربی از ناسیونالیسم گرفته تا کمونیسم، نتوانسته مشکلی از آنان حل کند. بدین ترتیب روی آوردن به اسلام در این کشورها «تقویت گفتمان انقلاب اسلامی» را نیز به همراه خواهد داشت.

۳-۳- شباهت‌های انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اخیر

امکان رسیدن به وجوه تشابه میان انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اخیر می‌تواند زمینه‌ای باشد که ما را به این موضوع هدایت کند که این تحولات می‌تواند موجبات تقویت گفتمان انقلاب اسلامی ایران را در منطقه فراهم آورد. از مهم‌ترین این وجوه تشابه که در مبحث پیشین نیز بدان اشاره شد، می‌توان به اسلام خواهی در هر دو موضوع اشاره کرد و وجوه مشترک هر دو را اسلام خواهی دانست. از دیگر وجوه تشابه میان انقلاب اسلامی و جنبش‌های اخیر می‌توان به نشانه‌شناسی^۱ ساختار سیاسی و تشابه

1. typology

ساختارهای سیاسی (خواجه سروی، ۱۳۹۱: ۱۰۰) و همچنین نوع برخورد آمریکا و غرب در قبال انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اخیر (ر.ک سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۹۳) اشاره کرد که تشابه‌های فراوانی در این زمینه قابل درک است. استکبار ستیزی و نفی وابستگی به نظام سلطه از دیگر وجوه مشترک میان گفتمان انقلاب اسلامی و روح حاکم بر جنبش‌های اخیر در خاورمیانه است. در هر دو مورد انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اخیر، روح استکبارستیزی و حرکت به سوی نفی استعمار و استبداد می‌تواند به عنوان وجوه مشترکی باشد که در تقویت گفتمان انقلاب اسلامی نقش موثر داشته باشد.

۳-۴ - افول هژمونی آمریکا

ایالات متحده از سالهای ۱۸۷۰ بسیاری از شاخص‌های برتری اقتصادی و نظامی را دارا بود. ورود این کشور به جنگ جهانی اول و پیروزی قدرت‌های متفق، اصول چهارده‌گانه ویلسون و شکل‌گیری جامعه ملل، اوضاع را برای اعمال هژمونی آمریکا فراهم آورد. اما اراده ملی برای این نقش وجود نداشت، و این کشور در سال ۱۹۴۱ وارد جنگ جهانی دوم شد و پس از جنگ عراق به عنوان قدرت اقتصادی و نظامی هژمون مطرح شد. با شروع جنگ ویتنام و حتی تا دوره حکومت ریگان، آمریکا به هژمونی غارتگر مبدل شد. منافعی از هماهنگی با منافع متحدینش خارج شد و به بهره‌برداری سوء و استعماری از موقعیت هژمونی‌اش پرداخت و سیاست‌های آمریکا بتدریج از سوی شرکای اقتصادی‌اش مورد اعتراض قرار گرفت (کرمی، ۱۳۸۵: ۲۲-۱۸). با فروپاشی اتحاد شوروی، موقعیتی برای آمریکا ایجاد شد که در عرصه

بین‌المللی دست بالاتر را پیدا کرد تا در بحران‌های بین‌المللی مختلفی نظیر عراق، یوگسلاوی، سومالی، هائیتی و افغانستان مداخله کند. اما به نظر می‌رسد تحولات پس از ۱۱ سپتامبر هژمونی آمریکا را با چالش جدی مواجه ساخته و این کشور در حل بسیاری از معادلات و چالش‌های بین‌المللی به تنهایی قادر به اعمال سیاست‌های متناسب و موجه نخواهد بود. والرشتاین هم در آخرین کتاب خود «افول قدرت آمریکا، آمریکا در جهانی پر آشوب» به سپری شدن دوران صلح آمریکایی اشاره کرده و از اقدامات آن پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به عنوان عاملی برای سقوط یاد می‌کند. او معتقد است که ایالات متحده در طی ده سال آینده با دو احتمال روبه رو خواهد شد: پیروی از روش مطلوب نظر «بازها» به همراه پذیرش تبعات منفی این مسیر و یا درک سنگین بودن هزینه‌های این مسیر و گرایش به سمت تجدید نظر در رفتار. اگر آمریکا مجبور به عقب‌نشینی بشود شرایط برای تداوم هژمونی نسبتاً ضعیف و رو به افول این کشور دشوارتر از قبل خواهد بود. بدون شک هژمونی آمریکا در طول دهه آینده افول بیشتری را تجربه خواهد کرد. (see Wallerstein, 2003).

افول هژمونی ایالات متحده آمریکا به نظر می‌رسد از جهاتی برای جمهوری اسلامی ایران فرصت‌های قابل توجهی ایجاد کند. در بحث سیاسی و امنیتی ایالات متحده همواره به عنوان تک قطب به سیاست‌های استیلا جویانه در منطقه خلیج فارس و اطراف مرزهای ایران توجه داشته است. به طور طبیعی کشورهای کوچک و فاقد عمق استراتژیک امنیت خود را به امنیت قدرت هژمون گره می‌زنند و در این راستا کشورهای منطقه خلیج فارس هر کدام پیمان‌های نظامی و امنیتی متعددی با ایالات متحده داشته

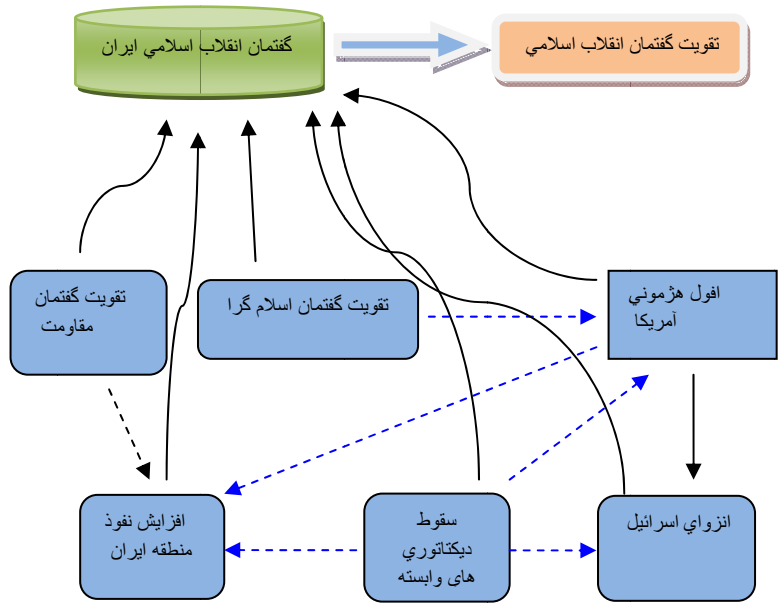
و پایگاههای نظامی حساسی را در اختیار این کشور قرار داده‌اند. کشورهای حوزه خلیج فارس با استفاده از این پشتوانه هژمون همواره محدودیت‌های قابل توجهی برای سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند. موضع‌گیری این کشورها در مسئله هسته‌ای و جزایر سه گانه از جمله مثال‌های قابل ذکر در این زمینه است. با تضعیف هژمونی آمریکا شاهد کم‌رنگ‌تر شدن حضور همه جانبه این کشور در منطقه و تهدید موقعیت ژئوپلتیک ایران خواهیم بود. از سویی این فرصت برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آید که به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار نقش قابل توجهی در معادلات امنیت منطقه‌ای ایفا کند. اما آنچه به عنوان تحولات اخیر در منطقه از آن یاد می‌کنیم، بستر افول همونی آمریکا را فراهم‌تر می‌کند و آمریکا در منطقه، همپیمانان مهمی را از دست می‌دهد و یا در حال از دست دادن است. با توجه به بحث از فرصت برای جمهوری اسلامی ایران در بحث از هژمونی آمریکا، تحولات اخیر در منطقه می‌تواند افول هر چه بیشتر این هژمونی را به همراه داشته و از این رهگذر زمینه لازم برای حرکت پیش رونده گفتمان انقلاب اسلامی را در آینده فراهم آورد.

۳-۵- انزوای سیاسی و اسرائیل و تقویت گفتمان مقاومت

جنبش‌های اخیر در کشورهای عربی و تحولات ناشی از آن بدون شک به نفع اسرائیل نیست و شاید بتوان گفت که اسرائیل از پیمان کمپ دیوید، هرگز تا این اندازه در فشارهای گوناگون امنیتی و انزوای سیاسی در خاورمیانه قرار نداشته است. تبدیل شدن اسرائیل به بازیگری انفعالی-واکنشی در برابر شرایط منطقه، اعلام تعویق مانور مشترک نظامی اسرائیل با

ایالات متحده آمریکا به مدت سه سال را نیز می‌توان در راستای تلاش اسرائیل برای آرام کردن فضای ملتهب در خاورمیانه برای کاهش برداشت‌های تهدیدآمیز از توان نظامی این رژیم در منطقه ارزیابی کرد. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل هر یک خود را مهم‌ترین رقیب/تهدید همه جانبه در مقابل یکدیگر تعریف می‌کنند، تضعیف هر یک می‌تواند فرصت مناسبی برای طرف دیگر باشد. تردیدی نیست که بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، حامل فرصت‌های امنیتی بیشتری برای ایران در مقابل اسرائیل است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۳). بدین ترتیب تحولات ناشی از بیداری اسلامی و سقوط متحدان اسرائیل و روی کار آمدن جناح‌های اسلام‌گرا، بیش از گذشته اسرائیل را در انزوا قرار داده است و این امر عاملی پیش برنده برای انقلاب اسلامی ایران خواهد بود. شکی نیست که نحوه برخورد ملت‌های حاضر در خیزش بیداری اسلامی مانند رویکرد مصر در لغو محدودیت‌ها و تبادلات با نوار غزه، پس از سقوط حسنی مبارک، تأییدی بر تقویت گفتمان مقاومت و تضعیف گفتمان سازش با اسرائیل است. تعقیب گفتمان مقاومت در کشورهای منطقه، بدون شک هم پیمانان منطقه‌ای را برای ایران ایجاد خواهد کرد و بر دامنه نقش‌آفرینی ایران در تحولات منطقه خواهد افزود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۲). بدین ترتیب با رویداد جنبش‌های بیداری اسلامی نقش ایران در منطقه پررنگ‌تر می‌شود و بدین ترتیب تحولات مذکور بستر مناسبی را برای تقویت گفتمان انقلاب اسلامی ایران در آینده فراهم خواهد کرد.

در مجموع سناریوی تأثیر پیش‌برنده در بحث از تأثیر تحولات منطقه بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی را می‌توان به صورت نمودار ذیل نمایش داد.



نتیجه گیری

در این مقاله تلاش کردیم تا با استفاده از روش سناریونویسی به عنوان یکی از روش های آینده پژوهی و با طرح سه سناریو درباره تأثیر تحولات اخیر در منطقه موسوم به «بیداری اسلامی»، تأثیر این تحولات را بر آینده «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» بررسی کرده و با نقد برخی از سناریوها و تضعیف احتمال وقوع آنان در بحث مورد نظر مقاله، آینده مطلوب تأثیر تحولات منطقه بر «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» را بررسی کنیم.

بحث محوری سناریوی «تأثیر بازدارنده» بر دو محور منازعات درون گفتمانی و مداخله خارجی استوار بود. نتیجه کلی که از نقد محور درون گفتمانی این سناریو گرفتیم این بود که ممکن است تشکیل حکومتی نظیر ایران رخ ندهد اما آنچه مهم است این است که کشورهای عربی منطقه، در

یک حلقه بیداری اسلامی قرار گرفته‌اند و تلاش غرب برای تشدید منازعات درون گفتمانی قادر به جلوگیری از این جریان و جلوگیری از موج تضعیف سکولاریسم نخواهد بود. ایران هراسی و تحریم گسترده ایران توسط غرب نیز در طول سه دهه انقلاب اسلامی به منظور ممانعت از گسترش گفتمان انقلاب اسلامی نیز تاکنون راه چاره‌ای در این زمینه برای غرب نبوده و این موضوع حتی از بسیاری از تحلیل‌گران غربی، در قبال ایران ثمره مطلوبی به دنبال نداشته است. نتیجه‌ای که از نقد سناریوی اول گرفته شد این بود که «تأثیر بازدارنده» تحولات اخیر بر گفتمان انقلاب اسلامی، با توجه به شرایط و مباحث محوری بحث شده، ضعیف به نظر می‌رسد و احتمال وقوع کمتری دارد. در مقابل، سناریوی «تأثیر پیش‌برنده» به دلایلی همچون رشد اسلامگرایی در منطقه، انزوای اسرائیل، تقویت گفتمان مقاومت، افول هژمونی آمریکا، گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران، سقوط دیکتاتورهای وابسته به غرب و دیگر مباحث مطرح شده، احتمال وقوع بیشتری را نسبت به دیگر سناریوها خواهد داشت. پذیرش توطئه درباره تحولات اخیر در منطقه با توجه به مواضع ضد غربی در کشورهای منطقه منطقی به نظر نمی‌رسد و بسیار شبیه به فرضیات توطئه‌ای است که درباره انقلاب اسلامی ایران مطرح شده است. درباره سناریوی تأثیر خنثی نیز بحث شد که از دید نظری و مباحث علمی، نمی‌توان چنین پدیده‌ای را بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی ایران بی‌تأثیر دانست و البته ادعای اساسی نیز در این زمینه مطرح نشده است. نتیجه آنکه تأثیر تحولات اخیر در خاورمیانه و جنبش‌های شکل گرفته در این منطقه، بر مبنای سناریوی «تأثیر پیش‌برنده» احتمال وقوع

زیادی دارد و این تحولات در مجموع زمینه‌های تقویت «گفتمان انقلاب اسلامی ایران در منطقه را فراهم خواهد کرد.

منابع

- اساکول، پی (۱۳۸۴)، روش‌های مطالعات آینده پژوهی، ترجمه سعید خزایی، مرکز آینده پژوهی علوم و صنایع دفاعی، تهران: معاونت اطلاع‌رسانی و خدمات علمی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نگاه نو.
- خزایی، سعید و عبدالرحیم، پدram (۱۳۸۷)، راهنمای گام به گام آینده پژوهی راهبردی؛ تهران: انتشارات مرکز آینده پژوهی و اطلاع‌رسانی دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- رمضان نرگسی، رضا (بی‌تا)، دغدغه‌های «میشل فوکو» درباره «انقلاب اسلامی ایران»، تهران:
- شیرودی، مرتضی (بی‌تا)، «انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام»، نشریه رواق اندیشه، شماره ۳
- عنایت، حمید (۱۳۷۳)، «اندیشه سیاسی اسلام معاصر»، خوارزمی، چاپ ۳.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۷)، ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران، قم: نشر معارف.
- عیوضی محمدرحیم، و هراتی، محمد جواد (۱۳۹۰)، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم: نشر معارف.
- فوکو، میشل (۱۳۶۸)، «ایران روح یک جهان بی روح»، تهران:



تحولات اخیر منطقه
خاورمیانه و آینده
«گفتمان انقلاب
اسلامی ایران»

- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۵)، «هژمونی در سیاست بین‌الملل؛ چارچوب مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن»، پژوهش علوم سیاسی، شماره سوم، پاییز و زمستان.
- گروه آینده‌اندیش (۱۳۸۴)، روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی، تهران: بنیاد توسعه فردا.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۶)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرادی، حجت‌اله (بی‌تا)، «آینده پژوهی، مفاهیم و روشها»، فصلنامه سیاست، رهیافت، شماره ۳۶.
- منوری، مهدی (۱۳۸۳)، «دیگران اصول، اهداف و کاربردهای آینده‌اندیشی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نخستین کارگاه آینده‌اندیشی.
- موحدی، رضا (۱۳۸۵)، «جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- ناظمی، امیر قدیری، روح‌اله (۱۳۸۴)، آینده‌نگاری از مفهوم تا اجر، تهران: مرکز صنایع نوین.
- نجفی، موسی (۱۳۸۱)، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- پایا، علی و راغفر، حسین (۱۳۸۳)، «معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و کاربردهای آینده‌اندیشی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نخستین کارگاه آینده‌اندیشی، اردیبهشت، تهران.
- نورانی، امیر (۱۳۹۱)، «مصر بیداری اسلامی و الگوی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸.

- درخشه، جلال (۱۳۹۱)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر اسلامگرایی در ترکیه»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲، بهار.
- آدمی، علی (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و ایران هراسی دولت-های عربی منطقه»، فصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲، بهار.
- دهقانی فیروزآبادی و فرازری، سید جلال، مهدی (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، کار آزما، جواد (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار.
- هراتی، محمد جواد (۱۳۹۱)، «تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۱)، «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۹۱)، «ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه: برداشت‌ها و اقدامات»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار.
- سلیمانی، رضا (۱۳۹۱)، «رویکرد تئوریک به سیاست آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در خاورمیانه»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲، بهار.



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره نخست،
شماره دوم،
زمستان ۱۳۹۱

- Makridakis, Spyros. & Wheelwright, S. **Forecasting Methods For Management**, 5th. Ed, John Wiley, and Sons, Inc, 1989
- Bell, Wendell, *Foundation of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge (Human Science for New Era)*, Transaction Publishers: London, 2003
- Leveret, Hillary Man, 2011, US politics towards Israel & Iran available on [raceforiran.comarchive/us polices/29651 /access 28 Des www](http://raceforiran.comarchive/us%20polices/29651/access%20Des%20www).
- www.cic.nyu.edu/internationalsecurity/docs/NIC_final.pdf, Global Trends 2025: A Transformed World
- Wallerstein, Immanuel "The Incredible Shrinking Eagle", *Foreign Policy* (july- august 2002) and *monthly Review* (july2003)